

بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین

ساکنان شهر زنجان

سجاد او جاقلو، محمدجواد زاهدی

تحقیق حاضر به بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان می‌پردازد. اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی و گسترش مدرنیته است. ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی جامعه مورد بررسی و نیز وجود خرده‌فرهنگ‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای که از جمله نتایج آن خاص‌گرایی و کاهش اعتماد اجتماعی به غریبه‌ها است، مطالعه اعتماد اجتماعی در این جامعه را به یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های شناخت این جامعه به منظور فراهم‌سازی شرایط توسعه اجتماعی آن بدل ساخته است. متغیر وابسته در این تحقیق اعتماد تعمیم‌یافته است که با شش بعد صراحت، صداقت، سهمیم‌کردن، تمایلات همکاری‌جویانه، اطمینان و رفتار مبتنی بر اعتماد مورد سنجش قرار گرفته است. متغیرهای مستقل در این تحقیق عبارتند از سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات. به منظور بررسی جامع اعتماد اجتماعی، علاوه بر سنجش متغیرهای اصلی تحقیق، یک رشته از متغیرها هم تحت‌عنوان متغیرهای پیشینه‌ای در این تحقیق دخالت داده شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین متغیر سنت‌گرایی و اعتماد تعمیم‌یافته رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین سنت‌گرایی و دو بعد اعتماد یعنی صراحت و صداقت رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد. بین متغیر پایگاه اجتماعی و اعتماد تعمیم‌یافته هم رابطه معناداری مشاهده نشد فقط یک بعد از پایگاه اجتماعی یعنی منطقه سکونت رابطه معنادار مستقیمی را با اعتماد اجتماعی نشان داد. اما بین تحصیلات پاسخگویان و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار و مستقیمی وجود داشت. به طوری که هرچه سطح تحصیلات افراد بالا می‌رفت اعتماد آن‌ها هم سیر صعودی پیدا می‌کرد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های مربوط به متغیرهای فردی هم نشان داد که بین میزان مطالعه و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار مستقیمی وجود دارد

به طوری که افرادی که در شبانه روز مطالعه بیشتری داشتند اعتماد اجتماعی آن‌ها هم در سطح بالایی قرار داشت. بین محل تولد افراد و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری دیده شد. بین متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت تأهل، مدت اقامت در شهر، نوع زبان، میزان تماشای تلویزیون، رفتن به سینما با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود نداشت. مفاهیم کلیدی: اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، سنت‌گرایی، تحصیلات.

مقدمه

در نوشته‌های جامعه‌شناختی، مفهوم اعتماد اجتماعی^۱ هم به عنوان ویژگی افراد، ویژگی ارتباطات اجتماعی^۲ و هم ویژگی نظام اجتماعی^۳ با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی مفهوم‌سازی شده است. در فرهنگ لغت آکسفورد اعتماد به معنی اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگی یک شخص و یا حتی درستی و حقانیت یک نظریه تعریف شده است. اندیشمندان علوم اجتماعی هرکدام از نقطه نظر خاص خود به تعریف اعتماد پرداخته‌اند. برای مثال لومان میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان تفاوت قائل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم مخاطره یا ریسک در ارتباط است و در دوران اخیر مطرح شده است. به اعتقاد لومان کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی این است که عدم تعیین اجتماعی را کاهش می‌دهد (امیر کافی، ۱۳۷۴: ۱۱). و یا گیدنز اعتماد را از عناصر و مؤلفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آن‌که در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع از اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۲۰). اعتماد را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه نظم قلمداد کرد به همین جهت آیزنشتات به درستی متذکر می‌شود که مهم‌ترین مسئله نظم اجتماعی برای بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی اعتماد و همبستگی اجتماعی است. یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد پایداری نظم اجتماعی غیرممکن است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). از دید برخی صاحب‌نظران شواهد بسیاری دلالت بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کشش‌گران در تمام سطوح در ایران دارد (همان: ۷۷). بعضی از صاحب‌نظران به وجود خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و چند پارگی‌های اجتماعی و فرهنگی (نظیر مسائل اقوام) اشاره کرده و آن را در ایجاد روش‌های اجتماعی کردن مبتنی بر بدگمانی و ناباوری نسبت به

1. Social Trust

2. Social Communication

3. Social System

دیگران مؤثر قلمداد می‌کنند (بشیریه، ۱۳۷۵: ۷۸).

پرسش آغازین پژوهش این بوده است: آیا در جامعه شهری زنجان اعتماد اجتماعی وجود دارد؟

شهر زنجان خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و گروه‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای مختلفی را در بر می‌گیرد که در طول سال‌های اخیر از روستاهای دور و نزدیک مهاجرت کرده و در این شهر سکنی گزیده‌اند. و خرده‌فرهنگ‌های محلی و گروه‌های قبیله‌ای هرکدام حامل ارزش‌ها و هنجارهای خاص خودشان هستند و هر کدام از این گروه‌ها الگوهای رفتاری و سبک زندگی ویژه‌ای برای خود دارند. این تنوع قبیله‌ای و طایفه‌ای، ضمن ابقای نگرش خاص‌گرایانه در افراد در شرایط فقدان برنامه‌ریزی منسجم اجتماعی، افزون بر تشدید رقابت‌های بین قبیله‌ای و بین گروهی متأثر از خاص‌گرایی و ایجاد فاصله اجتماعی میان گروه‌ها، به تضعیف (ما)ی شهروندی و اعتماد جمعی منجر می‌گردد.

اصولاً شرط برقراری ارتباط با دیگران در جوامع مدرن این است که افراد پیوندهای خود را ورای اجتماعات محلی گسترش دهند و این منوط به آن است که برخلاف آنچه در جوامع سنتی رایج است افراد کسانی را که دوست نیستند دشمن نبینند و غریبه دشمن تلقی نگردد و افراد یکدیگر را به‌عنوان یک شخص منحصر به فرد که دارای قابلیت‌های خاص خود است ببینند و خاص‌گرایی در روابط جای خود را به عام‌گرایی دهد (انعام، ۱۳۸۱: ۶).

در مجموع می‌توان گفت که شرایط امروزی شهر زنجان یعنی گسترش شهرنشینی، ایجاد عرصه‌های جدید اشتغال، تغییرات جمعیتی شدید، دگرگونی ساختار طبقاتی و نیز تغییرات اقتصادی-اجتماعی وسیع و در نتیجه افزایش فزاینده تعامل با افرادی خارج از محورهای خویشاوندی و نظایر آن نیاز به اعتماد اجتماعی را در سطوح و ابعاد جدی‌تر ساخته است. در حالی‌که خاص‌گرایی نشئت‌گرفته از خرده‌فرهنگ روستایی و قبیله‌ای بسیاری از شهروندان و سنت‌گرایی حاکم بر فضای زندگی در شهر زنجان عملاً مانع از گسترش اعتماد اجتماعی کارکردی در این جامعه، دست‌کم در بین همه قشرها و لایه‌های اجتماعی ساکن در این شهر شده است.

مبانی نظری

بررسی منابع و مأخذ مربوط به اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که به این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناختی و معرفت‌شناختی پرداخته شده است. در حوزه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، اعتماد به‌عنوان ویژگی فردی مطرح می‌شود و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌گردد و در بررسی اعتماد تئوری‌های شخصیت

و متغیرهای فردی مورد توجه قرار می‌گیرد، براساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی چون همکاری^۱، صداقت^۲، وفاداری^۳، صمیمیت^۴، امید^۵ و دگرخواهی^۶ ارتباط نزدیکی دارد. براساس دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی اعتماد نوعی احساس فردی نسبت به امری است که مورد تأیید است. به این ترتیب اعتماد را می‌توان نگرشی مثبت نسبت به فرد یا امری خارجی دانست. اعتماد مبین نوع ارزیابی ما از پدیده‌ای است که با آن مواجهیم و همواره مثبت است. چه اگر اعتماد برابر با پذیرش امر مقابل باشد، پذیرش مثبت است. در مباحث روان‌شناسی اجتماعی و مناسبات فرد و جامعه، اعتماد در سطح افراد نسبت به افراد دیگر یا پدیده‌های بیرونی سنجیده می‌شود. پس اعتماد نسبت به چیزی یا کسی است لذا اعتماد یک فرآیند است که یک بعد آن اعتماد اجتماعی است و یک بعد آن اعتماد فردی و بر این اساس از اعتماد کننده و اعتماد شونده صحبت می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲). یکی از مدافعان این دیدگاه جانسون است. وی مانند کلمن در یک رابطه مبتنی بر اعتماد، دو عنصر اعتماد کننده و اعتماد شونده را می‌شناسد که در صورت وجود اعتماد، کنشگران دارای صداقت، سهیم کردن، همکاری با یکدیگر و اعتماد به همدیگر می‌باشند (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۴). در مکتب روان‌شناختی استدلال می‌شود که اعتماد اساساً یک خصوصیت^۷ شخصی است و با ویژگی‌های فردی، خواه به صورت یک خصلت مرکزی شخصیتی یا خصوصیات اجتماعی و جمعیت‌شناختی از قبیل طبقه، درآمد، سن و جنس مرتبط است (دلای و نیوتن، ۲۰۰۰). در حوزه جامعه‌شناسی اعتماد به عنوان ویژگی روابط اجتماعی یا ویژگی نظام اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود. این دیدگاه برخلاف دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی به زمینه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. در این دیدگاه اعتماد بیشتر به عنوان یک ویژگی جمعی مورد توجه قرار می‌گیرد و بنابراین برای محصولات نهادی جامعه قابل کاربرد است. در این شیوه مثلاً سیستم‌ها یا نظام‌های اجتماعی به عنوان نظام‌های با اعتماد بالا یا پایین ارزیابی می‌شوند (میستال، ۱۹۹۶، به نقل از امیر کافی). نکته قابل توجه در این جا آن است که در بررسی مفهوم اعتماد، اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی در مقایسه با اتکای انحصاری بر هر یک از این دیدگاه‌ها (اعتماد به عنوان ویژگی شخصیتی و فردی یا اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی) می‌تواند ثمربخش‌تر و کارآمدتر باشد. دیدگاه ترکیبی می‌تواند اعتماد را به عنوان مفهومی ارزشمند برای چیرگی بر تمایز بین سطح کلان و خرد مطرح سازد. در این زمینه کار

1. Cooperation
3. loyalty
5. hope
7. property

2. honesty
4. sincerity
6. altruism

گیدنز (۱۹۹۲)، لومان (۱۹۷۷) و باربر قابل توجه است. آن‌ها در حالی که کار خود را با انتظارات مردم شروع می‌کنند، اعتماد را به‌عنوان بعدی از ساخت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که به شکل کامل و منحصری نمی‌تواند در سطح روان‌شناختی یا در سطح نهادی مطالعه شود، بلکه برای درک آن ویژگی روان‌شناختی و سطح نهادی باید به‌طور همزمان مورد توجه قرار گیرد (همان). چنین برداشتی از مفهوم اعتماد، یعنی در نظر گرفتن سطح خرد و سطح کلان امکان آن را فراهم می‌سازد که نشان دهیم چگونه اعتماد در سطح خرد با اعتماد در سطح کلان که انتزاعی‌تر است ارتباط برقرار می‌سازد. برای مثال هر تماس مثبت با یک پزشک محلی می‌تواند به تدریج اعتماد و اطمینان ما را نسبت به نظام پزشکی افزایش دهد و بالعکس. در دیدگاه جامعه‌ای^۱ دربارهٔ اعتماد استدلال می‌شود که اعتماد خصوصیت است اما نه برای افراد بلکه برای نظام اجتماعی. براساس این دیدگاه مطالعه اعتماد مستلزم رویکردی از بالا به پایین است که بر روی ویژگی‌های سیستمیک یا خصوصیات برآمدی^۲ جوامع و نهادهای محوری آن تمرکز دارد (همان). از این منظر اعتماد خصیصه مرکزی شخصیتی افراد نیست بلکه افراد در آن مشارکت می‌کنند، در آن سهم دارند، و از فرهنگ اعتماد داشتن یا از نهادهای اجتماعی و سیاسی‌ای که گسترش نگرش‌ها و رفتارهای مبتنی بر اعتماد را تشویق سود می‌برند (همان). مطالعات اینگلههارت (۱۹۹۹) نیز نشان داده که برزیل، پرو، فیلیپین، ترکیه و ونزوئلا (کشورهای جهان سومی) در پایین‌ترین سطح مقیاس بین‌المللی اعتماد و در مقابل نروژ، سوئد، هلند، کانادا، فنلاند، ایرلند و ایسلند در بالاترین سطح اعتماد قرار دارند. به سخن دیگر ملت‌های ثروتمندتر و یا دموکراتیک‌تر بیشتر از ملت‌های فقیرتر یا غیردموکراتیک‌تر اعتماد می‌کنند.

شکل متفاوتی از نظریهٔ جامعه‌ای اعتماد، بیشتر بر روی ویژگی‌های اجتماعات محلی متمرکز است تا شبکه‌های اجتماعی غیررسمی موجود در بین مردم. برخی تحقیقات بازگویی آن است که هرچه واحد شهری کوچک‌تر باشد، احتمال بیشتری برای بروز سطح بالاتری از اعتماد وجود دارد (همان). پاتنام (۲۰۰۰) نتیجه‌گیری می‌کند که ساکنان شهرهای کوچک و مناطق روستایی نوع دوست‌تر و بی‌غل و غش‌تراند و بیشتر از دیگر آمریکاییان به سایرین اعتماد می‌کنند (همان).

1. Societal

2. emergent properties

دیدگاه تئوری عقلانی دربارهٔ اعتماد اجتماعی

نظریهٔ عقلانی به‌طور کلی مبتنی بر این اصل است که انسان‌ها در مورد تصمیم‌گیری و گزینش در مورد چندکار یا انتخاب، به آن کاری دست می‌زنند که احتمال موفقیت در آن کار بیشتر بوده و احتمال شکست و آسیب دیدن کمتر باشد. اصول اساسی نظریهٔ کنش عقلانی از اقتصاد نئوکلاسیک برگرفته شده است. برپایهٔ گوناگونی مدل‌های متفاوت، فریدمن و هکتر آن‌ها را ترکیب کرده و مدل نظریهٔ کنش عقلانی را ساختند. تأکید در نظریهٔ کنش عقلانی بر روی کنشگران (عاملان) است. در این دیدگاه کنشگران انسان‌های هدفمندی به‌نظر می‌رسند. به‌طوری‌که با داشتن اهداف و آرمان‌های مشخص در جهت رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کنند. همین‌طور کنشگران سعی در بالا بردن منافع و مطلوبیت‌های خودشان دارند (ریترز، ۲۰۰۰: ۴۰۸).

«مدل‌های انتخاب عقلانی همیشه بر مفهوم کنشگران هدفمند و نیت‌مند تأکید دارند. این کنشگران دارای توجیهات (ارزشی یا انتفاعی) هستند آن‌ها برای به‌دست آوردن نتایج که دارای سلسله‌مراتب می‌باشند، عمل می‌کنند» (ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۹۸-۲۹۹). دیدگاه عقلانی معتقد است که زندگی اجتماعی از حاصل انتخاب‌های عقلانی افراد شکل می‌گیرد. چارچوب نظری رهیافت فوق یک اصل محوری و یک رشته شیوه‌های تحلیل دارد. آن اصل این است که رفتار آدمیان هدفمند و سنجیده است. فرض بر این است که آدمیان در انتخاب راه‌های مختلف، محاسبهٔ سود و زیان می‌کنند و پس از آن راهی را انتخاب می‌کنند که بیشترین سود را حاصل کند. از صاحب‌نظران این رهیافت می‌توان به جیمز کلمن، گامبتا و فریدمن اشاره کرد. «گامبتا معتقد است که تنها مسئله‌ای که امکان آسیب دیدن افراد را در جامعه کاهش می‌دهد اعتماد کردن افراد به یکدیگر می‌باشد و همین اعتماد به‌وجود آمده بین افراد پیش‌شرط مشارکت در زمینه‌های گوناگون در جامعه است» (انعام، ۱۳۸۱: ۴۲).

رویکرد شناختی^۱ به اعتماد اجتماعی

رویکرد نسبتاً جدیدی دربارهٔ اعتماد تحت عنوان رویکرد شناختی پا به عرصه وجود گذاشته است. بعد از باور به اهمیت تعیین‌کننده اعتماد برای کارگزاران و عاملان، طرفداران رویکرد شناختی تعریفی از اعتماد به‌دست داده‌اند که هم به‌عنوان وضعیت ذهنی و هم به‌عنوان یک نگرش و رابطهٔ اجتماعی قابل دریافت است در این دیدگاه عناصر ذهنی اعتماد از این قراراند:

1. cognitive

عقاید و اهداف خاص آن، با توجه ویژه به ارزیابی‌ها و انتظارات. آن‌ها رابطه بین اعتماد و پیش‌زمینه‌های ذهنی را نشان داده‌اند. طرفداران این دیدگاه همچنین تعیین می‌کنند که چرا اعتماد بهتر و مناسب‌تر است و بعضی از مخاطرات ملازم آن را نشان می‌دهند و پیچیده‌ترین شکل‌های اعتماد اجتماعی را بر مبنای نظریه مرتبط با ذهن و به‌ویژه اخلاقیات، حیثیت (وجهه)، گرایش و اقتدار تحلیل می‌کنند (این سه مؤلفه به نظر طرفداران رویکرد شناختی سه جزء اصلی اعتماد را تشکیل می‌دهند). طرفداران رویکرد شناختی تبیین می‌کنند که چرا وعده‌ها، قراردادهای و اقتدار می‌توانند اعتماد ما را به وسیله بازنمودهای ذهنی اصلاح‌یمنان افزایش دهند. آن‌ها سعی می‌کنند قاعده کمی شده‌ای از اعتماد بر مبنای عناصر سازنده آن ارائه دهند و این میزان اعتماد را به‌عنوان شالوده‌ای برای یک تصمیم عقلانی به‌کار گیرند. آن‌ها همچنین سعی می‌کنند براساس تعریف خود از اعتماد تبیین کنند که اعتماد چه زمانی عقلانی است و چرا نمی‌توان آن را تعریفی غیرعقلانی تلقی کرد. طرفداران رویکرد شناختی همچنین نگرش‌های نظریه‌بازی و نظریه اقتصادی اعتماد را به‌خاطر برآورد کمتر از حد اهمیت عناصر شناختی سازنده اعتماد و به‌خاطر کاهش اعتماد به احتمالات ذهنی و خطر مورد نقد قرار می‌دهند. و بالأخره این‌که آن‌ها سعی دارند تحلیلی مفهومی از اعتماد ارائه دهند و از این طریق به کاربرد عملی اعتماد در نظریه اجتماعی یاری رسانند (کستل فرانچی و فالکون، ۱۹۹۷).

دیدگاه نظریه بازی مجموع غیر صفر درباره اعتماد

شارح اصلی این تئوری مارتین دویچ^۱ است که برای مطالعه تجربی اعتماد از یک بازی مجموع غیر صفر که در آن دو فرد شرکت دارند استفاده کرد. منظور از بازی مجموع غیر صفر این است که در رابطه مبتنی بر اعتماد سود یک طرف مساوی با زیان دیگری نیست. به بیان دیگر در رابطه مبتنی بر اعتماد همه بازیگران (کنشگران) می‌توانند سود ببرند. البته در صورت عدم اعتماد بین افراد و وجود سوءظن این امکان نیز وجود دارد که همه بازیگران زیان ببینند. در این بازی سود و زیان‌های طرفین تابعی از انتخاب‌های خود و دیگری است. این بازی اصطلاحاً به دو راهی زندانی هم مشهور است. این دیدگاه در مقابل نظریه انتخاب عقلانی قرار دارد، یعنی در این جا هیچ امکانی برای رفتار عقلانی افراد وجود ندارد مگر این‌که افراد بتوانند به یکدیگر اعتماد کنند (انعام، ۱۳۸۱: ۴۳).

1. Marton deutsch

دیدگاه مکتب مبادله دربارهٔ اعتماد

این مکتب معتقد است که مبادلهٔ اجتماعی برخلاف مبادلهٔ اقتصادی بین افراد اعتماد به وجود می‌آورد و همین اعتماد در سطح خرد باعث دوستی و صمیمیت افراد با یکدیگر می‌شود و در سطح کلان موجب انسجام در جامعه می‌گردد (همان). نظریه پردازان مبادله با تمایز قائل شدن بین دو نوع مبادله (مبادلهٔ اجتماعی و مبادلهٔ اقتصادی) معتقدند که مبادلهٔ اجتماعی زمینهٔ مساعدی برای ایجاد اعتماد بین شخصی فراهم می‌کند. البته نظریه پردازان مذکور در مورد این که چرا مبادلهٔ اجتماعی زمینه‌ساز اعتماد بین شخصی است در حالی که مبادلهٔ اقتصادی این گونه نیست، اتفاق نظر ندارند. با این وجود، صرف نظر از اختلاف‌های موجود می‌توان استنباط نمود که علت اصلی این است که در مبادلات اجتماعی تعاملات اظهاری غالب است و در مبادلات اقتصادی، تعاملات ابزاری چیرگی دارد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۶). از نظریه پردازان این رهیافت می‌توان پیتر بلاو، پارسونز و کلمن را نام برد. از نظر این رهیافت، مبادلهٔ اجتماعی نوعی سرمایهٔ اجتماعی نیز محسوب می‌شود و در واقع عاملی برای مشارکت بیشتر افراد در جامعه است. این رابطه را به این صورت نیز می‌توان نشان داد:

انسجام اجتماعی ————— دوستی ————— اعتماد ————— مبادلهٔ اجتماعی

نظریه‌های خرد و کلان اعتماد اجتماعی

دیدگاه‌ها و مکاتبی که دربارهٔ اعتماد مورد توجه قرار گرفتند را می‌توان تحت عنوان کلی نظریه‌های خرد و نظریه‌های کلان تقسیم‌بندی کرد.

نظریه‌های کلان اعتماد اجتماعی

نظریه پردازان کلان‌نگر از جمله اسپنسر، پارسونز، تونیس، دورکیم، زیمل، مارکس، وبر، اینگلهارت، پوتنام، فوکویاما و لومان معتقد به عوامل ساختاری و کلان اعتماد هستند. همهٔ این نظریه پردازان سطح تحلیل کلان را برای بررسی خود دربارهٔ اعتماد برگزیده‌اند. همین‌طور در بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد، سطح مطالعه خود را بر روی ساخت اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. نظریه پردازان کلان‌نگر اعتماد را به عنوان ویژگی روابط اجتماعی و یا ویژگی نظام اجتماعی و به‌طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم‌سازی می‌کنند.

نظریه‌های خرد اعتماد اجتماعی

در مقابل نظریه‌های کلان اعتماد، نظریه‌های خرد در تحلیل و بررسی اعتماد به عوامل فردی و خرد توجه دارند. یعنی عواملی که متأثر از برخوردها، مبادلات و یا ویژگی‌های زیستی، روانی و شخصیتی فرد یا افراد است. نظریه‌پردازانی چون اریکسون، کلمن، بلاو، جانسون و کریستوفر مرو از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند. نظریه‌پردازان خردنگر به منظور تحلیل معنا و مفهوم اعتماد سطح تحلیل خرد و سطح مطالعه کنش را برگزیده‌اند. همه این نظریه‌پردازان اعتماد را به‌عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند. لیکن در این میان به‌نظر می‌رسد که مناسب‌ترین راه برای بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی، دوری‌گزینی از هرگونه خردنگری و کلان‌نگری محض و بررسی جامع و همه‌جانبه اعتماد هم از طریق پرداختن به وجه کنش و هم از طریق پرداختن به وجه ساخت اجتماعی مفهوم اعتماد می‌باشد. در بینابین نظریه‌های خرد و کلان اعتماد، نظریه‌پردازانی چون گیدنز هرگونه تقلیل‌گرایی را در بررسی مفهوم اعتماد رد کرده و بر ارتباط پدیده‌های خرد و کلان و ترکیب و تلفیق این دو سطح در تحلیل و بررسی اعتماد اجتماعی تأکید می‌کنند.

انواع اعتماد

در ادبیات جامعه‌شناختی موجود سه شکل اصلی اعتماد مشتمل بر اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته می‌توان تمیز داد:

اعتماد بنیادی^۱

اعتماد بنیادی نگرشی است نسبت به خود و دنیای پیرامون که رفتار و اعمال ما را متأثر می‌سازد و موجب تقویت این تفکر می‌گردد که افراد و امور جهان قابل اعتماداند و بر استمرار و ثبات این باور صحنه می‌گذارد. اریکسون معتقد است که اعتماد بنیادی در مراحل اولیه زندگی (شیرخوارگی) انسان شکل می‌گیرد. به اعتقاد او، کودک معمولاً نخستین رابطه را با مادر برقرار می‌سازد. کودک باید بتواند در کنار مادر احساس امنیت کند، اگر مادر به نیازهای جسمانی کودک پاسخ دهد و محبت و عشق و امنیت کافی برای او تأمین کند از آن پس کودک شروع به پروراندن حس اعتماد خواهد کرد، نگرشی که نظر کودک را درباره خودش و دیگران مشخص خواهد کرد.

1. Basic Trust

اعتماد بنیادی ما را به مفهومی رهنمون می‌سازد که آنتونی گیدنز از آن تحت عنوان امنیت هستی‌شناختی (امنیت وجودی)^۱ یاد می‌کند. منظور از امنیت وجودی اطمینانی است که اغلب موجودات انسانی از پیوستگی و استمرار هویت خود^۲ و محیط‌های اجتماعی و مادی اطراف خود دارند. به اعتقاد گیدنز امنیت وجودی پدیده‌ای شناختی^۳ نیست، بلکه پدیده‌ای احساسی^۴ است و در ناخودآگاه ریشه دارد. آنچه مسلم است پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل: آیا من واقعاً وجود دارم؟ آیا من امروز همان کسی هستم که دیروز بودم؟ آیا مردم واقعاً وجود دارند؟ و... را نمی‌توان از طریق بحث عقلی و به صورت بی‌چون و چرا پاسخ گفت (گیدنز، ۱۹۹۲). گیدنز معتقد است برای تبیین چنین موضوعاتی باید مراحل و عوامل جامعه‌پذیری را مورد بررسی قرار داد.

اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی شکل دیگری از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد. این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود. اعتماد بین شخصی حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و... را دربر می‌گیرد. به لحاظ نظری در یک رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو نفر حضور دارند: اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد (امین). در این رابطه فرد مورد اعتماد بالقوه می‌تواند واکنش‌های متفاوتی از خود بروز دهد، که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی. بررسی دیدگاه‌های مختلف نشان می‌دهد که روابط اجتماعی در ایجاد اعتماد بین شخصی نقش اساسی ایفا می‌کنند. اعتماد بین شخصی در روابط و برهمکنش‌های اجتماعی معنا پیدا می‌کند، توسعه می‌یابد و تقویت می‌شود. البته کیفیت و نوع روابط اجتماعی (ابزاری یا اظهاری) و همچنین میزان گستره روابط اجتماعی که از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی^۵ نام برده می‌شود در ایجاد و تقویت اعتماد بین شخصی تأثیر بنیادی دارد. به اعتقاد جانسون اعتماد همانند رابطه از دو بعد تشکیل می‌شود: این‌که شما نسبت به شخص دیگر چگونه رفتار می‌کنید و این‌که آن شخص نسبت به شما چه رفتاری دارد. اعتماد از طریق رشته‌ای از کنش‌ها و اعمال حاکی از اعتماد کردن

1. Ontological Security
3. Cognitive
5. Social Capital

2. Self-identity
4. emotional

و قابل اعتماد بودن ایجاد می‌گردد. اگر شخص A این ریسک را بکند که خود افشا باشد، ممکن است مورد تأیید یا تکذیب واقع شود که بستگی به این دارد که شخص B با حالت پذیرش داشته باشد یا عکس‌العمل منفی نشان دهد. اگر شخص B مخاطره پذیرا بودن، حامی بودن و همکاری کننده بودن را تقبل کند، بسته به این که شخص A خود افشا یا غیرافشا باشد ممکن است مورد تأیید یا تکذیب واقع گردد. اعتماد بین شخصی از طریق مخاطره و تأیید ایجاد و از طریق مخاطره و عدم تأیید نابود می‌گردد (امیر کافی، ۱۳۷۴: ۹).

اعتماد عام یا تعمیم‌یافته

۱. اعتماد تعمیم‌یافته را می‌توان داشتن حسن‌ظن نسبت به افراد جامعه جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف بیانگر چند نکته اساسی است:
 ۲. اعتماد تعمیم‌یافته تنها به افرادی که با هم برهم‌کنش دارند و میان‌شان روابط چهره به چهره برقرار است، محدود نمی‌شود.
 ۳. اعتماد تعمیم‌یافته حوزه‌ای از کسانی را که با ما برهم‌کنش دارند یا بالقوه می‌توانند برهم‌کنش داشته باشند در بر می‌گیرد.
 ۴. اعتماد تعمیم‌یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد.
 ۵. اعتماد تعمیم‌یافته پدیده نسبتاً جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های مدرن یا دولت-ملت مطرح می‌شود.
 ۶. اعتماد تعمیم‌یافته لازمه همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و مدرن امروزی را تشکیل می‌دهند.
- در جوامع سنتی اعتماد تعمیم‌یافته وجود ندارد چراکه در چنین جامعه‌ای خطوط فاصل مشخصی بین خودی و بیگانه و همچنین بین دوست و دشمن ترسیم می‌شود و اعتماد محدود به کسانی است که به جمع و گروه تعلق دارند و هرکس خارج از آن قرار گیرد مظنون و مشکوک است (همان). به این ترتیب می‌توان گفت که اعتماد به سه صورت خود را نشان می‌دهد و یا سه نوع است:

۱. اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا؛
 ۲. اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته یا اعتماد به بیگانگان؛
 ۳. اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها.
- نوع اول معمولاً در جوامع سنتی که الگوی خاص‌گرایی در آن حاکم است به چشم می‌خورد

و از این رو می‌توان آن را اعتماد سنتی نیز خواند و انواع دوم و سوم که عموماً در جوامع مدرن به چشم می‌خورند اصطلاحاً اعتماد مضمونی یا کارکردی هم خوانده می‌شوند.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌پردازانی که در حوزه نظریه‌های کلان به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند مانند پارسونز، دورکیم، اینگلهارت، تونیس و... با در نظر گرفتن سطح تحلیل کلان و با مورد تأکید قرار دادن ساخت اجتماعی به عنوان سطح مطالعه خود از نظریه‌پردازانی که در حوزه نظریه‌های خرد با الگو قرار دادن سطح تحلیل خرد و با مورد تأکید قرار دادن کنش به عنوان سطح مطالعه به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند مانند اریکسون، بلاو، کلمن، جانسون و... تفکیک می‌شوند. این در حالیست که هریک از این گروه‌ها با تأکید بر یک جنبه از سطح تحلیل (خرد/کلان) و سطح مطالعه (ساخت اجتماعی/کنش) مفهوم اعتماد، از دیگر جنبه‌های سطح تحلیل (خرد/کلان) و سطح مطالعه (ساخت اجتماعی/کنش) چشم‌پوشی می‌کنند. دیدگاه گیدنز به دلیل توجه به وجوه اصلی جهان مدرن و کاربرد سطوح خرد و کلان که از نظریه ساختاربندی او نشئت می‌گیرد و نیز به دلیل توجه خاص به مسئله مخاطره، در کنار توجه به بی‌اعتمادی شخصی، چارچوب تحلیل مناسب‌تری به نظر می‌رسد و می‌توان آن را به عنوان چارچوب تئوریک این تحقیق انتخاب کرد. علاوه بر این، از آن‌جا که گیدنز انواع اعتماد (بنیادی، شخصی، انتزاعی) را مورد توجه قرار می‌دهد، در دیدگاه وی وجوه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به صورتی توأمان به کار گرفته شده است. اعتماد در دیدگاه گیدنز نه کیفیتی کلی یا وجهی از همبستگی اجتماعی، بلکه شیوه ضروری و اجتناب‌ناپذیر حیات اجتماعی است. او اعتماد را از مؤلفه‌های مدرنیت می‌داند.

شاید مهم‌ترین خصلت آرا گیدنز تلفیق سطوح خرد و کلان و نیز ویژگی تحلیل الگوهای اعتماد در دوران ماقبل مدرن و مابعد مدرنیت و چگونگی سازوکار تغییر آن باشد. از نظر وی پویایی مدرنیت سه سرچشمه مهم دارد: «جدایی زمان و مکان»، «تحول مکانیسم‌های از جاکندگی» و «تخصیص بازاندیشانه». در دید وی نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی که در برگرفته اعتمادند، سازوکارهای اصلی از جاکندگی تلقی می‌شوند. منظور وی از نظام‌های تخصصی، نظام‌های انجام دادن کار فنی یا مهارت تخصصی است که حوزه‌های وسیعی از محیط‌های مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را سازمان می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۳). به نظر گیدنز جدایی فرد از نظام‌های تخصصی، جز در دوره‌هایی صرفاً کوتاه‌مدت و نامنظم امکان‌پذیر نیست. در مقابل، این نظام‌ها که به طور مداوم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان تأثیر

می‌گذارند، با فراهم کردن تضمین‌ها، چشم‌داشت‌ها در پهنه زمانی-مکانی فاصله‌دار عمل از جاکنندگی را انجام می‌دهند. از این رو وی اعتماد را جزء ضروری و لاینفک زندگی اجتماعی در نظر گرفته و می‌گوید خصلت از جاکنندگی نظام‌های انتزاعی به معنای تداوم کنش متقابل با دیگران غایب است (ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

از دیدگاه گیدنز اعتماد در نظام‌های مدرنیته متأخر اعتماد غیرشخصی و به دیگران ناشناس یا به عبارت دیگر «بی‌توجهی مدنی» جنبه بنیادی روابط اعتماد بین فردی است که از ماهیت رشد یابنده نظام‌های انتزاعی ریشه گرفته‌اند. در این شرایط جلب اعتماد به جای حفظ اعتماد در نظام‌های گذشته اهمیتی اساسی می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۴۴). در عین حال وجه عمده اعتماد پایندی‌های بی‌چهره‌ای است که در نظام‌های تخصصی معنا می‌یابند و این مسئله اساساً چنان از اهمیت برخوردار است که می‌توان گفت که ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است (همان: ۹۹).

به اعتقاد گیدنز در فرهنگ‌های سنتی چهار زمینه محلی در ارتباط با اعتماد غالب است: ۱. نظام خویشاوندی، ۲. اجتماع محلی، ۳. سنت و ۴. کیهان‌شناسی مذهبی.

به نظر گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع صنعتی از دست داده‌اند. وابستگی‌های خویشاوندی در جوامع مدرن حامل پیوندهای اجتماعی سازمان‌یافته در طول زمان و مکان نیستند. در این قبیل جوامع ارتباطات خویشاوندی عملاً محدود به چند نفر خویشاوند نزدیک شده است و بیشتر مردم آگاهی اندکی از خویشاوندان دورتر دارند. علاوه بر آن، در جوامع مدرن اجتماع محلی کارکرد گذشته خود را از دست داده است. در دوران اخیر است که ما می‌توانیم از اشکال مختلف ارتباط اجتماعی سخن بگوییم که پهنه زمین را در بر گرفته‌اند. همچنین در ارتباط با نقش سنت، گیدنز معتقد است که در جهان مدرن، پیشرفت علم و دنیایی شدن اندیشه، باعث شکل‌گیری خصلت انتقادی و نوگرایانه شیوه نگرش شده است. دیگر فرض بر آن نیست که رسوم یا عادات صرفاً به این خاطر مورد پذیرش قرار می‌گیرند که از پشتوانه اقتدار سنت برخوردارند؛ برعکس شیوه‌های زندگی ما در جوامع امروزی بیش از پیش مستلزم داشتن یک اساس عقلانی است. یعنی بسته به این‌که براساس استدلال‌ها و مدارک قانع‌کننده قابل توجیه هستند یا نه و می‌باید از آن‌ها دفاع شود و یا در صورت لزوم تغییر داده شوند.

گیدنز در پاسخ به این سؤال که چه منبع یا منابعی در جوامع مدرن جانشین نظام‌های خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی شده است به نظام‌های انتزاعی اشاره می‌کند. اعتماد به نظام‌های انتزاعی مهم‌ترین بخش نظریات گیدنز است و بیانگر اعتماد افراد به اصول غیرشخصی است و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک عصر جدید ارتباط دارد. به

اعتقاد گیدنز برخلاف جوامع سنتی در جوامع صنعتی و پیشرفته اعتماد به علائم و نشانه‌ها و همچنین اعتماد به دانش تخصصی ایجاد می‌گردد و پدیده‌ی از جاکنندگی یا انتزاع بخشی اتفاق می‌افتد. امروزه مردم به دنبال علائم و نشانه‌ها هستند و به مارک‌ها توجه می‌کنند، در حالی که نمی‌دانند وسایل و ابزارها را چه کسانی ساخته‌اند، کجا ساخته شده‌اند و... در واقع محلیت از بین رفته است و امور حالت انتزاعی پیدا کرده‌اند و اعتماد به انتزاعیات تقویت شده است. گیدنز در این ارتباط به پول و نقش آن در جهان مدرن اشاره می‌کند و معتقد است که پول هیچ هستی ذاتی ندارد، اعتبار پول از خود پول نیست بلکه ناشی از اعتماد مردم به یک امر انتزاعی است، اعتماد به یک رشته نمادها و سمبل‌هاست (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲).

گیدنز همچنین معتقد است که ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با «صمیمیت» دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست‌کم در محدوده رابطه مورد نظر قابل اعتماد باشد. از آن‌جا که اعتماد تا بدین حد با خودمانی شدن مرتبط است، حفظ اصالت رابطه مورد نظر ایجاد می‌کند که همان توازی که در روابط خودمانی بین خودمختاری و در یکدیگر حل شدن لازم است، در این‌جا هم مراعات گردد. نکته مهم در ساختن و پروراندن اعتماد در رابطه‌های ناب آن است که هرکس باید شخصیت دیگری را به «رسمیت» بشناسد و قادر باشد به‌طور منظم بعضی «پاسخ‌های مطلوب» را از گفتار و رفتار او استنباط کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

گذشته از این موارد، گیدنز قضایای روان‌شناختی را نیز در موضوع اعتماد مؤثر قلمداد کرده است و با بحث از «اعتماد بنیادین» که مفهومی متعلق به اریکسون است، ریشه اعتماد را در وثوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر مربوط می‌داند که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل شده است. به نظر وی اعتماد بنیادین اضطراب را کاهش داده و نوعی احساس تداوم و نظم در رویدادها، حتی آن‌هایی که به‌طور مستقیم در حوزه ادراک شخص قرار دارند، یا امنیت وجودی را در فرد به وجود می‌آورد (همان: ۳۲۳). به اعتقاد گیدنز، در صورت عدم وجود کنش افراد مبتنی بر رویکردهای بدگمانی، بسیاری از افراد در احترامی که به نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی نشان می‌دهند، گویی وارد نوعی «چانه‌زنی با مدرنیت» می‌شوند و در نهایت حاصل این امر حالتی است که گیدنز به‌طور خلاصه آن را احساس «ناامنی وجودی» می‌نامد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۷). با توجه به مزیت‌های آرای گیدنز، توجه به نظریات وی در حوزه اعتماد که مبنای اصلی طرح مفهومی این تحقیق است، مفید به نظر می‌رسد. برای مثال به منظور تحلیل مفهومی انواع اعتماد (اعتماد فردی، اعتماد اجتماعی یا تعمیم‌یافته و اعتماد مدنی یا اعتماد به نظام‌های تخصصی) در شهر زنجان از نظریات گیدنز راجع به انواع اعتماد (شخصی، بنیادی و

انتزاعی) استفاده شده است. همین‌طور در تحلیل مفهومی منابع اعتماد، محل سکونت، محل تولد، پایگاه اجتماعی و سنت‌گرایی در جامعه شهری زنجان از نظریه‌گیدنز درباره منابع اعتماد در دوران پیش از مدرن که از جمله آن‌ها روابط خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و مذهب است کمک گرفته شده است. همچنین بحث گیدنز راجع به رابطه اعتماد و ارتباط ناب که در آن ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است راهگشای ما در این تحقیق جهت سنجش و آزمون اعتماد تعمیم‌یافته و یا اعتماد به غریبه‌ها بوده است. که اصطلاحاً اعتماد مضمونی و یا کارکردی خوانده می‌شود و عموماً در جوامع مدرن به چشم می‌خورد.

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به نوع ارتباط متغیرهای مستقل (پایگاه اجتماعی، تحصیلات و نوع نگرش (سنت‌گرایی) با متغیر تابع اعتماد اجتماعی که در مدل تحلیلی نشان داده شده می‌توان فرضیه‌های زیر را استنتاج کرد:

۱. بین میزان سنت‌گرایی افراد و اعتماد اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی این‌که هرچه میزان سنت‌گرایی افراد بالاتر باشد اعتماد اجتماعی آنان پایین‌تر است.

۲. بین پایگاه اجتماعی افراد و اعتماد رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی این‌که هرچه پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد اعتماد اجتماعی آنان نیز بالاتر است.

۳. بین میزان تحصیلات افراد و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی این‌که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان اعتماد اجتماعی آنان نیز بالاتر است.

با توجه به مدل تحلیلی و با رجوع به نظریات مطرح شده در قسمت مبانی نظری تحقیق می‌توان چنین استنباط کرد که از میان انواع مختلف اعتماد سه نوع اصلی وجود دارد: ۱. اعتماد به خودی‌ها (فردی)؛ ۲. اعتماد به خودی‌ها و غریبه‌ها (اجتماعی)؛ و ۳. اعتماد به نظام‌های انتزاعی (مدنی). همان‌گونه که مدل تحلیلی نشان می‌دهد متغیرهای مستقل پایگاه اجتماعی و تحصیلات تأثیر مستقیم بر روی اعتماد اجتماعی دارند. در مورد متغیر پایگاه اجتماعی باید گفت که پایگاه اجتماعی با شاخص‌های ثروت، درآمد، شغل و تحصیلات منجر به اعتماد به خودی‌ها و غریبه‌ها می‌شود که این اعتماد به خودی‌ها و غریبه‌ها تأثیر مستقیمی بر روی سه بعد کارکردی اعتماد اجتماعی یعنی رفتار مبتنی بر اعتماد، سهیم کردن و اطمینان دارند. متغیر تحصیلات نیز منجر به اعتماد به نظام‌های انتزاعی می‌شود که این اعتماد به نظام‌های انتزاعی تأثیر مستقیمی بر روی دو بعد اعتماد اجتماعی یعنی صراحت و اطمینان دارد. اما در مورد متغیر سنت‌گرایی باید گفت که برخلاف متغیرهای پایگاه اجتماعی و تحصیلات،

رابطه معکوسی بین سنت‌گرایی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. همان‌طور که جهت فلش‌ها (در مدل شماره ۱) نشان می‌دهند سه بعد اعتماد یعنی صداقت، تمایلات همکاری‌جویانه و رفتار مبتنی بر اعتماد منجر به اعتماد به خودی‌ها می‌شود و اعتماد به خودی‌ها منجر به سنت‌گرایی می‌شود که این نشان می‌دهد دایره اعتماد افراد سنت‌گرا (اعتماد اسمی) فقط محدود به خودی‌ها است.

مدل تحلیلی تحقیق و الگوی مسیر فرضی پژوهش

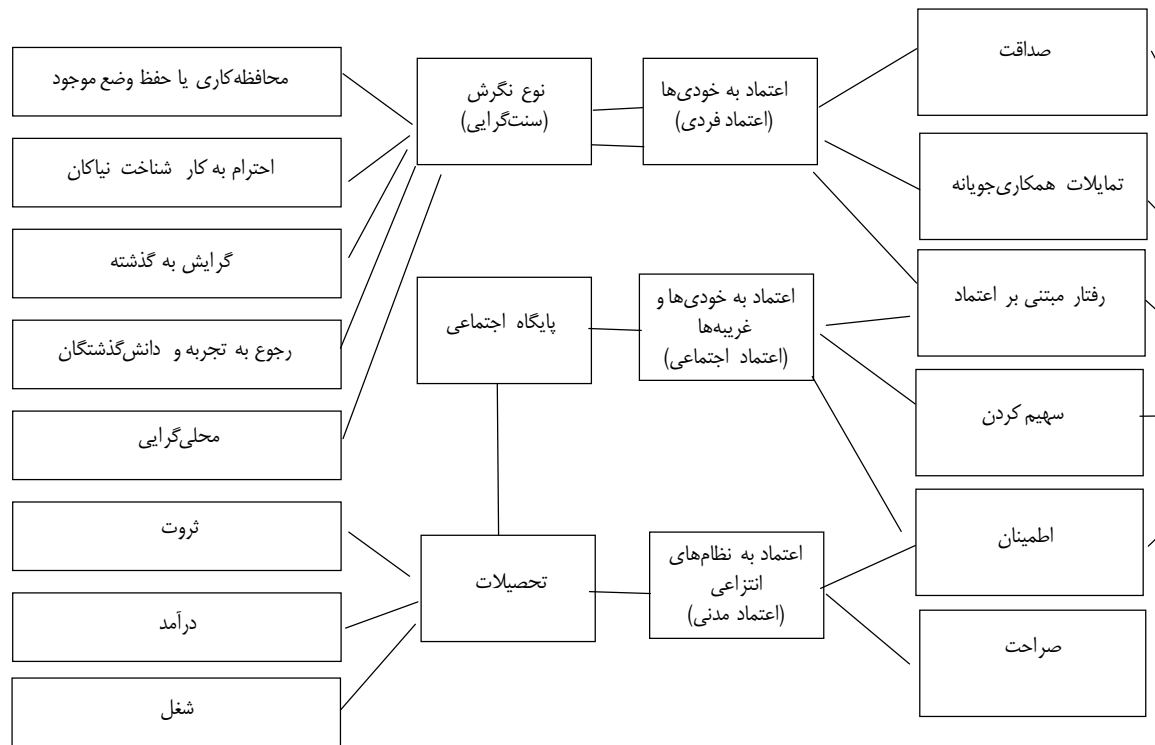
مدل تحلیلی از مفاهیم و فرضیه‌هایی که میان‌شان ارتباط تنگاتنگی برقرار است، ساخته می‌شود و مجموعاً چارچوب منسجم و وحدت‌یافته‌ای را تشکیل می‌دهند. بدون این کوشش انسجام‌بخش، تحقیق در جهات مختلف پراکنده شده و محقق دیگر نخواهد توانست به کارش سامان دهد. مدل دستگامی از فرضیه‌هاست که میان‌شان ارتباط تنگاتنگ و منطقی برقرار است در واقع می‌توان گفت که مدل تحلیلی لولایی است که طرح نظری مسئله تحقیق تدوین شده محقق را با کار بعدیش که مشاهده و تحلیل اطلاعات است به یکدیگر متصل می‌کند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۱:۱۱۱). با توجه به چارچوب تئوریک و مبانی نظری تحقیق، مدل تحلیلی تحقیق به شکل مدل شماره ۱ ترسیم شده است.

روش تحقیق

روش پژوهش با توجه به اهداف، سؤالات و فرضیه‌ها، پیمایشی و با تکیه بر مطالعه کتابخانه‌ای انتخاب شد. تحقیق حاضر با توجه به چارچوب تئوریک و فرضیه‌های تحقیق به بررسی متغیرهایی می‌پردازد که در سطح خرد (فردی) مطرح هستند. واحد تحقیق و واحد مشاهده فرد می‌باشد.

به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه حاوی اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و اطلاعات مرتبط با شاخص‌های تعریف شده برای متغیرهای مورد توجه در فرضیه‌ها می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق شامل همه مردان و زنان بالغ (بالای ۱۸ سال) ساکن شهر زنجان است که در این شهر سکونت دائمی داشته‌اند. تعداد این افراد بر طبق آمارگیری سال ۱۳۸۲ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان ۲۳۲۴۴۵ نفر است. حجم نمونه (نمونه آماری) با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۸۰ نفر تعیین گردید.



مدل شماره ۱. تحلیل انواع اعتماد و مؤلفه‌های اصلی آن

روش نمونه‌گیری

از آنجایی که هیچ فهرستی از جامعه آماری در دست نبود لذا انتخاب نمونه احتمالی با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و یا سیستماتیک از افراد نامی‌سز بوده است. بنابراین، مناسب‌ترین روش نمونه‌گیری برای این تحقیق، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. در این روش نمونه‌گیری هدف اصلی این است که ابتدا از میان مناطق (خوشه‌ها) نمونه‌ای انتخاب گردد. از این رو بدو از میان مناطق بزرگ نمونه‌گیری می‌شود و رفته‌رفته از هر منطقه بزرگ مناطق (خوشه‌های) کوچک‌تری به صورت نمونه‌گیری، تصادفی انتخاب می‌شوند. نهایتاً کار به انتخاب نمونه‌ای از خانوارها و استفاده از روشی برای انتخاب افراد در خانوارهای منتخب ختم می‌شود (دواس، ۱۳۸۳: ۷۴).

در این تحقیق برای شروع کار به مرکز آمار استان زنجان مراجعه شد و از این طریق نقشه شهر و تعداد بلوک‌های موجود در نواحی مختلف شهر تهیه گردید. شهر زنجان به‌طور کلی از سه منطقه ۱، ۲ و ۳ تشکیل شده است که هریک از این مناطق با توجه به تراکم جمعیتی‌شان تعدادی بلوک مسکونی را نیز در خود جای داده‌اند. بر طبق آمار مرکز آمار استان، تعداد بلوک‌های دارای خانوار در شهر زنجان ۲۰۳۴ بلوک می‌باشد که از این تعداد با پیشنهاد کارشناس آماری مرکز آمار استان ۳۸ بلوک با روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک از روی نقشه انتخاب شدند.

تعریف مفاهیم و متغیرها (تعاریف مفهومی و عملیاتی)

الف) متغیر وابسته

متغیر وابسته در این تحقیق اعتماد اجتماعی است.

اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن‌ظن فرد نسبت به سایر اعضای جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌شود (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۸). در تعریفی که جانسون از اعتماد می‌کند، اعتماد «ایجاد ارتباط با دیگری و درخواست پذیرش و حمایت آشکار از دیگران، خود تکمیلی در روابط و انطباق با انتظارات دیگران» است. جانسون عناصر تشکیل‌دهنده اعتماد را صراحت و باز بودن، سهم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری‌جویانه و رفتار مبتنی بر اعتماد می‌داند.

در تحقیق حاضر برای سنجش اعتماد اجتماعی (بین شخصی) شش معرف صداقت، صراحت، سهم کردن، تمایلات همکاری‌جویانه، اطمینان و اعتماد کردن مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در پرتو آن‌ها که ویژگی‌هایی قابل مشاهده‌اند، سنجش اعتماد ممکن گردیده است. در این جا نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که متغیرهایی که ما درباره آن‌ها بحث

می‌کنیم ممکن است باهم تداخل هم داشته باشند و یا تکیه‌گاه یکدیگر باشند. با همه این تفاسیر، به نظر می‌رسد که متغیرها (معرف‌ها)ی فوق فضای مفهومی اعتماد را در بر می‌گیرند و همه آن‌ها بر روی هم چیزی را تشکیل می‌دهند که اعتماد اجتماعی خوانده می‌شود. در این جا برای روشن شدن فضای مفهومی اعتماد به تعریف (مفهومی و عملیاتی) معرف‌های مذکور می‌پردازیم. این تعاریف (مفهومی) از نظریه جانسون برگرفته شده است (جانسون، ۱۹۹۳):

۱. صداقت: تطابق و هماهنگی میان اعمال و گفتار با اعتقادات و گرایش‌های درونی و عدم تظاهر به رفتار یا گفتاری که به نظر شخص درست و مورد قبول نیست.

در این تحقیق برای سنجش مفهوم صداقت از شاخص‌هایی چون راست‌گویی در یک موقعیت زیان‌آور، راست‌گویی در موقعیت دوگانه‌ای که در آن تمایل به دروغ‌گویی بیشتر است و راست‌گویی در شرایطی که در آن افراد سعی دارند دروغ مصلحتی بگویند استفاده شده است.

۲. صراحت: شرکت دادن دیگران در اطلاعات، عقاید، افکار و احساسات است که از طریق آن فرد افکار، احساسات، ترس و تردیدهای درونی خود را نسبت به دیگران بیان می‌کند. برای سنجش مفهوم صراحت از شاخص‌هایی چون، رودربایستی نداشتن و رک‌گویی یعنی به صراحت گفتن چیزی به دیگران، ابراز عقیده خود در حضور دیگران، اعتراض به نحوه عمل افراد دیگر (حتی دوستان و همکاران) استفاده شده است.

۳. سهم کردن: ارائه منابع و ذخائر (خصوصاً منابع و ذخائر اطلاعاتی) خود به دیگران تا آن‌ها را در نیل به اهدافشان یاری کنیم.

برای سنجش مفهوم سهم کردن از شاخص‌هایی چون انتقال دانسته‌ها و تجربیات خود به دیگران، راهنمایی افراد در مورد مسئله‌ای خاص و ترس نداشتن از ارائه اطلاعات و دانسته‌های خود به دیگران استفاده شده است.

۴. تمایلات همکاری‌جویانه: بیانگر این است که فرد می‌خواهد با دیگران برای رسیدن به یک هدف مشترک کار کند که این امر مستلزم هماهنگی اعمال فرد با اعمال دیگران است.

به منظور سنجش مفهوم تمایلات همکاری‌جویانه از شاخص‌هایی چون شریک کردن دیگران در انجام کارها، انجام کارها به صورت شراکتی و جمعی، کمک مالی گرفتن از دیگران و ایجاد اشتغال به صورت فردی و جمعی استفاده شده است.

۵. اطمینان: تصدیق این امر است که طرف مقابل توانایی و شایستگی‌های لازم را برای حل و فصل مطلوب مسائل کنونی در موقعیت حاضر دارد. به منظور سنجش مفهوم اطمینان از شاخص‌هایی چون حل مشکلات به صورت فردی، کمک گرفتن از دیگران در حل مسائل و

مشکلات، شک نداشتن به توانایی دیگران و بهره‌گیری از توانایی‌های دیگران در حل مشکلات استفاده شده است.

۶. اعتماد کردن: با توجه به تفکیک دو مفهوم فرد اعتمادکننده، فرد قابل اعتماد و رفتار مبتنی بر اعتماد کردن و رفتار قابل اعتماد، «اعتماد کردن» می‌تواند به‌طور همزمان مقولات صراحت، سهیم کردن، اطمینان و... را شامل شود. در این جا به منظور سنجش مفهوم اعتماد کردن از شاخص‌هایی چون عدم تردید دربارهٔ قابل اعتماد بودن مردم، درستکاری مردم در معامله با دیگران، اعتماد به غریبه‌ها و اعتماد به خویشاوندان استفاده شده است.

ب) متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل ما در این تحقیق عبارتند از: پایگاه اجتماعی، سنت‌گرایی و تحصیلات.

۱. پایگاه اجتماعی

پایگاه اجتماعی^۱ که یکی از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود، عبارت است از موقعیت اجتماعی و جایگاهی که فرد در گروه یا در مرتبهٔ اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند (کوئن، ۱۳۷۶: ۸۳).

شاخص‌های زیادی همچون ثروت، قدرت، درآمد، تحصیلات و شغل برای سنجش پایگاه اجتماعی افراد وجود دارد. در این تحقیق ما برای سنجش پایگاه اجتماعی افراد از شاخص‌های ثروت، درآمد، شغل و تحصیلات استفاده کرده‌ایم.

۱. ثروت: ثروت^۲، پول و دارایی‌هایی مادی است که فرد یا گروهی در اختیار دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲۰). ثروت به معنی دارایی‌هایی است که وقتی فروخته می‌شوند، می‌توان به پول تبدیل کرد (قنادان و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۸۳). در این جا ما ثروت را سهام، املاک، نوع اتومبیل و منطقهٔ سکونت در نظر گرفته‌ایم و از پاسخگویان خواسته شده که منطقهٔ سکونت، نوع اتومبیل و میزان سهام خود را مشخص کنند.

۲. درآمد: درآمد^۳ عبارت است از پولی که شخص از طریق کار، سرمایه و یا دولت (تأمین اجتماعی) دریافت می‌کند (همان: ۱۸۵). به سخن دیگر درآمد، پرداخت‌هایی است که معمولاً ناشی از دستمزد، حقوق یا سرمایه‌گذاری است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۰۱).

1. Social Status

2. Wealth

3. Income

اصولاً درآمد نیز مانند ثروت به‌طور نابرابر توزیع می‌شود. در تحقیق حاضر با به‌کارگیری تعریف اشاره شده درآمد از پاسخگویان خواسته شده است تا متوسط درآمد ماهیانه خانواده خود را بگویند.

۳. شغل: شغل^۱ عبارت است از هرگونه فعالیت مربوط به کسب درآمد که در آن فرد به‌طور منظم کار می‌کند. مفهوم مهمی که با مفهوم شغل ارتباط نزدیکی دارد کار است. کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشین برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارند و او را تغییر می‌دهند (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۰). کار فعالیتی است که به‌وسیله آن انسان‌ها از طبیعت بهره می‌گیرند و بدین‌سان بقای خود را تأمین می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۸۸).

در این تحقیق با به‌کارگیری تعریف اشاره شده شغل، از پاسخگویان خواسته شده که شغل دقیق خود را بگویند.

۲. سنت‌گرایی

سنت‌گرایی^۲ برگرفته از کلمه سنت است. سنت نیز از ریشه لاتینی ترادیشو^۳ به معنای عمل «بازپس دادن» و «انتقال» گرفته شده است. سنت به معنای انتقال میراث فرهنگی خاص گروهی ویژه در طی نسل‌هاست. اولین حامل سنت، زبان محاوره و حافظه جمعی و فردی و پس از آن زبان مکتوب است. «سنت به مفهوم دقیق، اصطلاح بی‌طرفی است که به‌طور معمول برای اشاره به انتقال شفاهی به‌کار برده می‌شود و منظور این است که وجوه فعالیت یا سلیقه یا اعتقاد از یک نسل به نسل بعدی می‌رسند (سینه به سینه نقل می‌شوند) و به این ترتیب به‌صورت دائمی در می‌آیند. بنابراین همان‌گونه که در مورد نهادهای اجتماعی مصداق دارد، سنت وسیله‌ای است که از طریق آن هر کودک چیزی از رسوم اخلاقی و ذخیره دانش متراکم و تعصب نیاکانش را فرا می‌گیرد... (اصطلاح سنت در مورد برخی از عناصر فرهنگ که به این ترتیب منتقل می‌شوند، و نه در مورد همه عناصر، نیز صادق است. عنصرهایی که دست‌چین شده و مقام سنت به آن‌ها اعطا می‌گردد معمولاً ارزشمند به‌شمار می‌روند و قویاً تأکید می‌شود که ارزش خاصی برای پذیرفته شدن دارند. بدین‌سان سنت وجهی از رفتار یا معیاری است که از طریق گروهی مجزا از فرد پدید می‌آید و در جهت تشدید آگاهی و همبستگی گروهی عمل می‌کند.» (سامپسون در: گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۵۱۹ و ۵۲۰).

1. Occupation

2. Traditionalism

3. Traditio

در این تحقیق به منظور سنجش سنت‌گرایی از شاخص‌هایی چون احترام به کار شناخت نیاکان، مقایسه زمان قدیم و جدید از طریق اختلاط نقش‌ها در برابر تخصص‌گرایی، رجوع به دانسته‌ها و تجربیات گذشتگان و افراد قدیمی، مقایسه روش‌ها و فنون قدیمی با روش‌ها و فنون جدید، احترام به میراث و نیاکان و گرامی داشتن شناخت آن‌ها، محلی‌گرایی و زندگی در جوامع کوچک قدیمی استفاده شده است.

۳. تحصیلات

تحصیلات یا همان سواد^۱ عبارت است از توانایی افراد در خواندن و نوشتن (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۰۴). مفهوم آموزش و پرورش^۲ ارتباط نزدیکی با تحصیلات دارد و عبارت است از انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر به وسیله آموزش و پرورش مستقیم. گرچه فرآیندهای آموزشی در تمام جوامع وجود دارد، تنها در دوران مدرن است که آموزش و پرورش همگانی شکل آموزشی رسمی را به خود گرفته است. یعنی آموزش در محیط‌های آموزش تخصصی که در آن افراد سالیانی چند از زندگی خود را می‌گذرانند (همان: ۷۷۹).

در این تحقیق با به‌کارگیری تعریف اشاره شده تحصیلات از افراد خواسته شده که میزان تحصیلات‌شان را بگویند.

نکته‌ای که در این جا لازم است به آن اشاره شود این است که تحقیق حاضر علاوه بر سنجش متغیرهای فوق، که چارچوب اساسی تحقیق را تشکیل می‌دهند، یک دسته از متغیرها تحت عنوان متغیرهای پیشینه‌ای (صفات فردی) را به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد، مورد سنجش و بحث قرار می‌دهد.

این متغیرهای پیشینه‌ای عبارتند از: سن، جنس، وضعیت تأهل، محل تولد، میزان ساعات تماشای تلویزیون، میزان مطالعه در شبانه‌روز، رفتن به سینما، مدت اقامت در شهر و زبانی که افراد دوست دارند با آن صحبت کنند.

اعتبار و روایی تحقیق

اعتبار در واقع به بررسی این سؤال می‌پردازد که فرد آن چیزی را که فکر می‌کند اندازه می‌گیرد، اندازه‌گیری می‌کند یا نه؟ (قاضی طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۳).

در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی

1. Literacy

2. Education

اعتبار محتوایی است استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص یا معیار است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۷). بدین منظور از نظریات متخصصان و کارشناسان جامعه‌شناسی در زمینه منطبق بودن محتوای سؤالات با ویژگی‌های مورد نظر استفاده شده است.

همچنین علاوه بر اعتبار صوری، به منظور شناسایی دقیق اندازه‌گیری از اعتبار سازه نیز استفاده شده است. در این شیوه ارزیابی نتیجه برحسب مطابقت آن با انتظارات نظری صورت می‌گیرد (دواس، ۱۳۸۳: ۶۴).

شایان ذکر است که در ساختن گویه‌های اعتماد به عنوان متغیر وابسته و سنت‌گرایی و پایگاه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل در پرسشنامه از مبانی نظری پژوهش کمک گرفته شده است.

در این تحقیق برای تعیین روایی ۶ بعد یا معرف اعتماد اجتماعی یعنی صراحت، صداقت، اطمینان، سهیم کردن، اعتماد کردن و تمایلات همکاری‌جویانه و نیز سنت‌گرایی، پیش‌آزمونی از آن برای ۱۵ نفر از ساکنان شهر زنجان که عضو جامعه آماری بودند، به‌طور تصادفی اجرا شد. پاسخ‌های پرسشنامه پیش‌آزمون به وسیله نرم‌افزار spss پردازش گردید. نتیجه این پردازش و روایی‌های به دست آمده در جدول شماره یک بازگو شده است.

جدول شماره ۱. معرف‌ها یا متغیرها و ضریب روایی نهایی هر یک از آن‌ها

معرف‌ها	ضریب روایی (α آلفای کرونباخ)
رفتار مبتنی بر اعتماد (اعتماد کردن)	٪۷۲
تمایلات همکاری‌جویانه	٪۷۹
صراحت	٪۷۴
سهیم کردن	٪۷۵
اطمینان	٪۷۷
صداقت	٪۷۴
سنت‌گرایی	٪۷۲

با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها فرضیه‌های مطرح شده و اهداف پژوهشی اطلاعات به دست آمده با استفاده از آزمون‌های رو اسپیرمن، تاوبی کندال، من ویتنی یو، χ^2 (کی دو)، همبستگی دو متغیری و چند متغیری و تحلیل مسیر، به کمک نرم‌افزار spss توصیف و تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

نتایج توصیف آماری اعتماد اجتماعی در جامعه نمونه نشان می‌دهد میانگین اعتماد اجتماعی در بین افراد ۹۴/۳۲ می‌باشد این در حالیست که بیشترین مقدار اعتماد اجتماعی

انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	حجم نمونه	اعتماد اجتماعی
۱۲/۲۴۶۷۳	۹۴/۳۲۰۶	۱۵۶	۵۹	۳۴۰	
				۳۴۰	

۱۵۶ و کمترین مقدار ۵۹ می‌باشد. تفاضل حداکثر و حداقل نمرات (دامنه تغییرات برابر با $R = 156 - 59 = 97$ است. برای این‌که بدانیم چه تعداد از افراد از بیشترین میزان از اعتماد اجتماعی و چه تعداد از افراد از کمترین میزان اعتماد اجتماعی برخوردارند و چه تعداد از افراد در حد متوسط قرار دارند، در جدول شماره (۲) توزیع چارکی نمونه‌ها بازگو شده است.

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و درصد تجمعی میزان اعتماد اجتماعی

چارک‌ها	فراوانی	درصد تجمعی	میزان اعتماد اجتماعی
چارک اول (کمترین میزان اعتماد اجتماعی)	۸۰	۲۳/۹	از ۵۹ تا ۸۵
چارک دوم و سوم (میزان اعتماد اجتماعی متوسط)	۱۷۶	۵۱/۸	از ۸۶ تا ۱۰۱
چارک چهارم (بیشترین میزان اعتماد اجتماعی)	۸۴	۲۴/۳	از ۱۰۲ تا ۱۵۶

همان‌گونه که در جدول می‌توان دید تعداد افرادی که در چارک اول و چهارم قرار دارند به نسبت کمتر از افرادی است که در چارک‌های دوم و سوم قرار دارند به عبارتی حدود ۱۷۶ نفر (۵۱/۸ درصد) نمره اکتسابی‌شان از اعتماد اجتماعی بین ۸۶ تا ۱۰۱ می‌باشد. این در حالیست که ۸۰ نفر (۲۳/۸۹ درصد) نمره دریافتی‌شان بین ۵۹ تا ۸۵ است که کمترین میزان اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. ۸۴ نفر (۲۴/۳ درصد) هم نمره دریافتی‌شان بین ۱۰۲ تا ۱۵۶ است که بیشترین میزان اعتماد اجتماعی در این مطالعه است. این توزیع بازگویی آن است که تعداد افرادی که میزان اعتماد اجتماعی‌شان در حد متوسط می‌باشد بیشتر از بقیه است. در جدول شماره ۳ نتایج آزمون همبستگی متغیرها بازگو شده است.

جدول شماره ۳. خلاصه نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه اعتماد اجتماعی با متغیرهای پژوهش

آزمون‌های آماری (متغیرهای در سطح ترتیبی)					متغیرهای مستقل	ردیف
رواسپیرمن		تاوبی کندال		ضریب همبستگی		
رابطه یا عدم رابطه	سطح معناداری	ضریب همبستگی	سطح معناداری		ضریب همبستگی	سطح معناداری
رابطه وجود ندارد	۰/۷۷۲	٪۱۶	۰/۷۷۴	٪۱۵		۱ سنت‌گرایی
رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد	۰/۰۰۹	۰/۱۴۱	۰/۰۱۰	۰/۱۲۸		۲ تحصیلات
رابطه وجود ندارد	۰/۸۵۴	۰/۰۱۰	۰/۸۷۵	۰/۰۰۶		۳ پایگاه اجتماعی
رابطه وجود ندارد	۰/۱۵۸	۰/۰۷۷	۰/۱۵۹	۰/۰۶۳		۴ سن
رابطه وجود ندارد	۰/۲۴۵	۰/۰۶۴	۰/۲۴۴	۰/۰۵۵		۵ مدت اقامت در شهر زنجان
رابطه وجود ندارد	۰/۳۱۶	۰/۰۵۶	۰/۳۱۵	۰/۰۴۸		۶ میزان تماشای تلویزیون
رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد	۰/۰۰۵	۰/۱۵۷	۰/۰۰۵	۰/۱۳۶		۷ میزان مطالعه
رابطه وجود ندارد اما همبستگی وجود دارد	۰/۰۵۴	۰/۱۹۸	۰/۰۵۵	۰/۱۷۲		۸ تعداد دفعات رفتن به سینما
آزمون‌های آماری (متغیرهای در سطح اسمی)					متغیرهای مستقل	ردیف
من ویتنی یو		کی دو (χ^2)		کی دو (χ^2)		
رابطه یا عدم رابطه	سطح معناداری	من و تنی یو	سطح معناداری		کی دو (χ^2)	سطح معناداری
رابطه وجود ندارد	۰/۲۱۲	۱۳۰۵/۵۰				۱ جنسیت
رابطه وجود ندارد	۰/۳۸۲	۱۳۷۲۶/۵۰				۲ وضعیت تأهل
رابطه وجود ندارد	۰/۲۸۵	۱۲۰۸۴				۳ نوع‌زبانی که افراد صحبت می‌کنند
رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد			۰/۰۰۰	۳۴۵/۶۷		۴ محل تولد
رابطه وجود ندارد	۰/۷۱۵	۱۱۱۴۰				۵ رفتن به سینما
رابطه وجود ندارد	۰/۹۰۲	۱۲۶۲۱				۶ تمایل به زندگی در میان اقوام و خویشان

همان‌گونه که در جدول (۳) دیده می‌شود متغیرهای مستقل در این تحقیق در دو سطح سنجش ترتیبی و اسمی مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند. متغیرهای اصلی تحقیق عبارتند از سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات. با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده با استفاده از آزمون‌های رو اسپیرمن، تاوبی کندال، کی دو و من ویتنی یو و با توجه به سطح محاسبه شده بین متغیرهای سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی، سن، میزان تماشای تلویزیون، مدت اقامت در شهر، تعداد دفعات رفتن به سینما، جنسیت، وضعیت تأهل، نوع زبان، تمایل به زندگی در میان اقوام و خویشان، رفتن به سینما و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین متغیر تحصیلات و اعتماد اجتماعی با توجه به ضرایب همبستگی به دست آمده

($0/128$) و با توجه به سطح معناداری محاسبه شده ($\text{sig} = 0/001$) محاسبه شده رابطه معنادار مثبت و مستقیمی وجود دارد. یعنی این که هرچه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها هم بالاتر خواهد بود. این ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.

همچنین بین متغیر میزان مطالعه و اعتماد اجتماعی با توجه به ضریب همبستگی حاصل شده ($0/136$) و با توجه به سطح معناداری محاسبه شده ($\text{sig} = 0/005$) رابطه معنادار مثبت و مستقیمی وجود دارد. این ضریب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. یعنی هرچه میزان مطالعه افراد بالاتر باشد میزان اعتماد اجتماعی آن‌ها هم بالاتر خواهد بود. بین متغیر محل تولد و اعتماد اجتماعی نیز با توجه به ضریب همبستگی حاصل از آزمون کی دو ($\chi^2 = 345/65$) و با توجه به سطح معناداری ($\text{sig} = 0/000$) رابطه معناداری وجود دارد. این ضریب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. به عبارتی افراد که محل تولد آن‌ها شهر زنجان بود اعتماد اجتماعی شان بیشتر از افرادی بود که محل تولد آن‌ها شهرهای دیگر و یا روستاها بوده است.

رگرسیون و تحلیل چند متغیری فرضیه‌های تحقیق

در تحقیق حاضر متغیرهای سنت‌گرایی، پایگاه اجتماعی و تحصیلات به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده بودند که سعی بر آن بود تا تأثیر هر یک از این متغیرها بر اعتماد اجتماعی که متغیر وابسته در این تحقیق است اندازه‌گیری شود. همان‌گونه که در آزمون فرضیه اشاره شد رابطه بین پایگاه اجتماعی و سنت‌گرایی با اعتماد معنادار نبود و ضریب همبستگی بین آن‌ها نیز در حد پایین بود. در این میان فقط متغیر تحصیلات با اعتماد همبستگی قوی و مستقیمی داشته و رابطه معناداری میانشان وجود داشت. لذا تحلیل رگرسیونی بین متغیرها در چنین وضعیتی مناسب نخواهد بود. از این رو در این جا فقط به بررسی متغیر تحصیلات و رابطه آن با اعتماد اجتماعی پرداخته شد (جدول شماره ۴).

جدول شماره ۴. ضریب همبستگی استاندارد شده تحصیلات با اعتماد اجتماعی

متغیر	t	ضریب استاندارد شده بتا beta	خطای استاندارد	Sig
تحصیلات	۲/۱۵۱	۰/۱۷۷	۱/۱۲۷	۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول (۴) نشان داده شده، متغیر تحصیلات با وزن بتای $0/117$ و با سطح

معناداری $\text{sig} = 0/001$ روی اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این سطح معناداری در سطح اطمینان فراتر از یک درصد معنادار است.

علاوه بر تأثیر مستقیم و معنادار تحصیلات بر اعتماد اجتماعی، محل سکونت نیز همبستگی بالایی با اعتماد اجتماعی دارد که نتایج تحلیل رگرسیونی آن (تحصیلات و محل سکونت) در جدول شماره ۵ بازگو شده است.

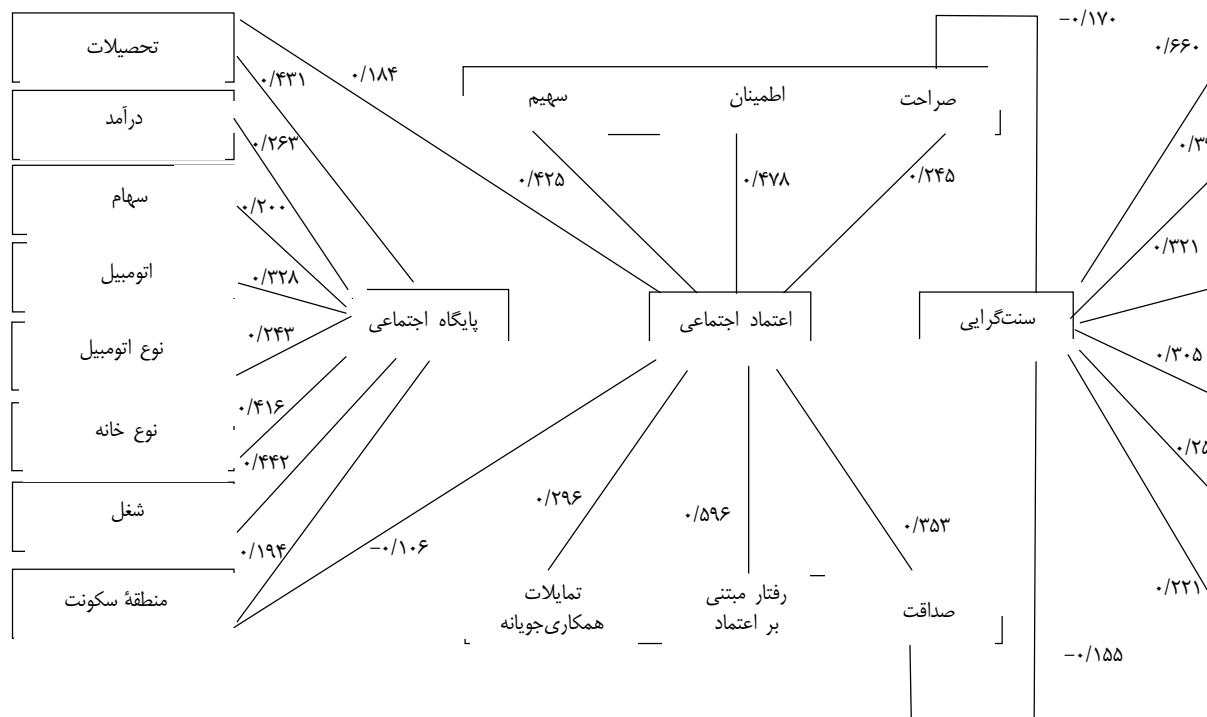
جدول شماره ۵. ضریب همبستگی استاندارد شده عامل‌های مستقیم تحصیلات و محل سکونت با سطح اعتماد اجتماعی

رتبه	Sig	خطای استاندارد	ضریب استاندارد شده بتا	t	متغیر
۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۱۸۴	۳/۴۴۵	تحصیلات
۲	۰/۰۴۸	۱/۰۱۳	-۰/۱۰۶	-۱/۹۸	منطقه مسکونی

به این ترتیب، همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، عامل‌های مؤثر بر اعتماد اجتماعی برحسب میزان همبستگی به ترتیب عبارتند از: تحصیلات با وزن بتای $0/184$ و منطقه سکونت با وزن بتای $0/106$.

آزمون مدل تحلیلی و تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق

با توجه به تحلیل رگرسیونی و چندمتغیری فرضیه‌های تحقیق که توضیح داده شد مدل تحلیلی تحقیق و تحلیل مسیر متغیرها مورد آزمون و بررسی قرار گرفت. نمودار شماره (۲) نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق از طریق تحلیل رگرسیونی و تحلیل مسیر به چه صورت و چه نوع تأثیری بر متغیر وابسته اعتماد اجتماعی دارند. برحسب این مدل بین پایگاه اجتماعی و اعتماد هیچ رابطه‌ای وجود ندارد فقط دو شاخص پایگاه اجتماعی یعنی تحصیلات و محل سکونت هرکدام به ترتیب ($0/184$ بتا با رابطه قوی) و ($0/106$ - بتا با رابطه منفی)، با اعتماد رابطه معناداری را نشان می‌دهند. دیگر شاخص‌های پایگاه اجتماعی رابطه معناداری را با اعتماد اجتماعی نشان ندادند. همچنین بین سنت‌گرایی و اعتماد اجتماعی هم رابطه معناداری مشخص نگردید اما پس از بررسی رابطه سنت‌گرایی با تک تک شاخص‌های اعتماد، شاخص‌های صداقت و صراحت رابطه معناداری را با سنت‌گرایی نشان دادند. به طوری که ضریب همبستگی بین سنت‌گرایی و صداقت $0/155$ و ضریب همبستگی بین سنت‌گرایی و شاخص صراحت $0/170$ است که این ضرایب همبستگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده‌اند.



نمودار شماره ۲. مدل تحلیل مسیر با ضرایب مسیر متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از آزمون فرضیه شماره یک با استفاده از ضریب همبستگی «تاوی کندان» و نیز ضریب همبستگی «رو اسپیرمن» نشان می‌دهد که بین سنت‌گرایی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. بر طبق نظریه گیدنز شاید بتوان گفت در جامعه شهری زنجان منابع اعتماد همان منابع دوران پیش از مدرن یعنی منابعی همچون سنت، نظام‌های خویشاوندی، مذهب و اجتماع محلی است که در جوامع سنتی و پیشامدرن نوعی اعتماد سنتی و خاص‌گرایانه را به وجود می‌آورند اعتمادی از این نوع مستلزم تعاملات چهره به چهره است که در آن افراد باید همدیگر را بشناسند تا از رهگذر این شناخت متقابل به هم اعتماد داشته باشند. بر این اساس، در جامعه شهری زنجان، افراد هنوز به اهمیت و ارزش سنت‌ها اعتماد و اعتقاد دارند، نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون‌گروهی الگوی رفتاری بسیاری از افراد را تعیین می‌کند. مذهب در لایه‌های درونی جامعه رسوخ کرده و هنوز هم به عنوان یکی از منابع مهم اعتماد افراد محسوب می‌شود. چون افراد هنوز محلی‌گرایی خودشان را از دست نداده‌اند و منابع اعتماد از نوع منابع دوران پیشامدرن است، هرگز فرصت کسب دیگر انواع اعتماد (اجتماعی و مدنی) را نداشته‌اند. هرگز به اعتماد به غیر خودی‌ها و غریبه‌ها نیندیشیده‌اند. اعتماد به نظام‌های انتزاعی و مجرد به عنوان وسیله تثبیت روابط، در راستای پهنه‌های نامشخص زمانی و مکانی، هنوز در چنین جامعه‌ای شکل نگرفته است زیرا اعتماد به نظام‌های انتزاعی بیانگر اعتماد افراد به اصول غیرشخصی است و با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک عصر جدید در ارتباط است. اما در جامعه‌ای سنتی نظیر شهر زنجان، به دلیل ضعف مدرنیسم و مدرنیته، هنوز اعتماد به علائم و نشانه‌ها و همچنین اعتماد به دانش تخصصی شکل نگرفته است. هنوز افراد مثلاً در تشخیص پزشک خود به گفته‌های افراد مورد اعتماد خود استناد می‌کنند و توجه چندانی به تخصص پزشک مورد نظر ندارند. و هنوز برای حل مشکلات مالی خود از اطرافیان و دوستان خود کمک می‌گیرند و به بانک به عنوان یک نهاد مدرن که بخشی از نظام‌های کارشناسی را نیز در بر دارد اعتماد کافی و لازم را ندارند. این‌ها همه دلایلی است برای اثبات این مدعا که سنت‌گرایی افراد نوع خاصی از اعتماد فردی را می‌طلبد که خاص جوامع سنتی و پیشامدرن است. نوعی از اعتماد که خاص جوامع صنعتی شده و مدرن است و مبین اعتماد به غریبه‌ها و نیز اعتماد به نهادها و سازمان‌های اجتماعی است در یک جامعه سنتی نمی‌تواند شکل گرفته و برقرار گردد. به سخن دیگر در یک جامعه سنتی افراد هرگز به نمادها، نشانه‌ها، نظام‌های انتزاعی و مجرد و حتی بانک، که از مؤلفه‌ها و عناصر اصلی مدرنیته‌اند، اعتماد و اطمینان پیدا نمی‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که آن نوع اعتمادی که گیدنز تحت عنوان اعتماد به نظام‌های انتزاعی مشخص

می‌کند در جامعه شهری زنجان به نسبت خیلی کمی وجود دارد و یا اصلاً وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه شماره دو با استفاده از ضریب همبستگی «تاوبی کندال» و نیز ضریب همبستگی «رو اسپیرمن» نشان می‌دهد که بین تحصیلات و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. امروزه علمای آموزش و پرورش اذعان می‌کنند که علم و دانش عامل مهمی است که می‌تواند در تقویت اعتماد اجتماعی مؤثر باشد. تحقیقات قبلی نشان می‌دهند که هرچه سطح تحصیلات افراد ارتقا می‌یابد اعتماد نسبت به عالم هستی نیز در آن‌ها بیشتر می‌شود و رابطه معناداری بین تحصیل کرده‌ها و میزان اعتمادشان به چشم می‌خورد. امروزه افراد با تحصیلات بالا «پس‌افتادگان از مدرنیته» نیستند که شیوه‌های اجتماعی شدن مبتنی بر بدگمانی، احتیاط و دوری‌گزینی از دیگران را تجربه کنند؛ چه این ویژگی‌ها مانع ایجاد زمینه اصلی برای اعتماد خواه نسبت به اشخاص ناآشنا و خواه نسبت به اصول انتزاعی و غیرشخصی است. اعتماد قبل از هر چیز آموختنی است و در تجربه اجتماعی به وجود می‌آید و در برهمکنش اجتماعی ساخته می‌شود. پس می‌توان گفت که یکی از عوامل تأثیرگذار بر اعتماد، آموزش فرهنگ است که الگویی برای رابطه و برهمکنش با دیگران به دست می‌دهد. از این جاست که می‌توان گفت که ضرورت دارد اولاً بیش از پیش زمینه تحصیل افراد در جامعه فراهم شود که در این میان امکان تحصیل در دانشگاه‌ها برای افراد از جایگاه بالا و انکارناپذیری در فراهم‌سازی شرایط گسترش اعتماد اجتماعی برخوردار است. ثانیاً در برنامه‌های درسی و منابع و کتب درسی و غیردرسی لازم است بیش از این به مسئله اعتماد و کارکردهای آن پرداخته شود تا افراد از همان دوران کودکی و از اوان اجتماعی شدن بیاموزند که به افراد پیرامون خود به دیده شک و تردید ننگرند و برای زندگی در جامعه به دیگران اعتماد کنند. افرادی که تحصیلات پایینی دارند الگوهای فکری‌شان همان الگوهای فکری و قالب‌های اندیشگی سنتی و موروثی جامعه‌شان است که در آن افراد و پدیده‌ها در قالب همه یا هیچ ارزیابی می‌شوند. روحیه انتقادی در آن‌ها نیست و در ارزیابی افراد معیارهای قضاوت سنتی، پیش‌داورانه و تورش‌داری چون نژاد، جنسیت، خاستگاه خانوادگی و به‌طور کلی خصوصیات ظاهری افراد را مدنظر قرار می‌دهند. اما افرادی که تحصیلات بالایی دارند در عین حال که صراحت و جسارت دارند و به همه چیز و همه کس با دید انتقادی نگاه می‌کنند در ارزیابی خود از افراد این معیارهای سنتی را کنار گذاشته و معیارهای عصر مدرن چون تخصص افراد و عام‌گرایی را به کار می‌گیرند. افراد تحصیل کرده ریسک‌پذیری بالا و در کل اعتماد اجتماعی بالایی دارند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه شماره سه با استفاده از ضریب همبستگی «تاوبی کندال» و نیز ضریب همبستگی «رو اسپیرمن» نشان می‌دهد که بین پایگاه اجتماعی و اعتماد اجتماعی رابطه

معناداری وجود دارد. در چنین جامعه‌ای (شهر زنجان) که از سویی در آن هنوز بسیاری از ویژگی‌های جامعه کشاورزی و سنتی حاکم است و از سوی دیگر بعضی از ویژگی‌های جامعه نوین و خدماتی در تعاملات بین افراد ظاهر شده است، این دوگانگی در روابط و برهمکنش‌های اجتماعی بین افراد موجب از هم‌گسیختگی انسجام اجتماعی و فقدان اعتماد اجتماعی همگانی می‌شود. در جامعه شهری زنجان بیشتر از آن‌که ارزش‌های نو و به‌عبارتی فرهنگ شهری حاکم باشد ارزش‌های سنتی و قبیله‌ای حکمفرماست. ارزش‌هایی چون هویت جمعی و گروهی، سنت‌گرایی و نوگریزی، عشق به طبیعت و بارآوری، دلبستگی به مالکیت زمین و خودکفایی معیشتی، محافظه‌کاری، محلی‌گرایی و قناعت‌پیشگی و ساده زیستن، ارزش‌هایی هستند که افراد در شکل‌دهی مناسبات اجتماعی و رفتار خود از آن‌ها تبعیت می‌کنند. (زاهدی، ۱۳۸۳: ۱۸۰)

علاوه بر این‌ها در سال‌های اخیر جامعه شهری زنجان شاهد و پذیرای مهاجرانی بوده که از روستاهای اطراف و شهرهای کوچک به آن‌جا کوچ کرده‌اند به‌طوری‌که جامعه شهری زنجان متشکل از خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و گروه‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای مختلفی است که این مهاجران پدید آورده‌اند. در چنین شرایطی است که زمینه مهیا می‌شود تا هر گروهی هنجارها و ارزش‌های خود را به نمایش گذارد و در اثر آن از این طریق افراد نتوانند پیوندها و روابط خود را و رای اجتماعات محله‌ای و نظام‌های خویشاوندی خود گسترش دهند. اعتماد از آن نوعی که مدنظر‌گیدنز است - در پژوهش حاضر نیز اساس بررسی بوده است - در چنین جامعه‌ای نمی‌تواند شکل بگیرد. چراکه فقط در مدرنیته است که اعتماد غیرشخصی به دیگران ناشناس یا به‌سخن دیگر «بی‌توجهی مدنی»^۱ به جنبه بنیادین روابط اعتماد بین افرادی بدل می‌شود که از ماهیت رشدیابنده نظام‌های انتزاعی تأثیر پذیرفته‌اند. همان‌گونه که گیدنز تصریح می‌کند ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به سازوکارهای اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است. و طبیعی است که در اجتماعات سنتی با نگرش خاص گرایانه افراد، نه نیازی به چنین اعتمادی هست و نه امکان شکل‌گیری آن وجود دارد. بیشتر افرادی که در جامعه شهری زنجان ساکن‌اند افرادی هستند که بنا به دلایلی از اجتماعات روستایی کنده شده و عازم شهر شده‌اند. می‌توان تصور کرد که کسی که اغلب از روی ناچاری و بدون طرح و نقشه قبلی و بدون داشتن زمینه کاری مشخص از روستا به شهر مهاجرت می‌کند با چه مشکلاتی در زمینه پیدا کردن شغل، کسب درآمد، یافتن خانه و غیره مواجه می‌شود. در این جاست که تعریف پایگاه اجتماعی افراد در چنین جامعه‌ای با تعریف آن در یک جامعه صنعتی، مدرن و تخصص‌گرا بسیار

1. Civil inattention

متفاوت خواهد بود. شاید بدین دلایل بوده است که در این تحقیق پایگاه اجتماعی افراد با اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری پیدا نکرد، چراکه اعتماد را نمی‌توان به‌طور مصنوعی و شعاری ایجاد کرد.

اعتماد محصول خودبه‌خودی شرایط اجتماعی و اقتصادی فرآیندهای برهمکنشی خاصی است که در طول زمان و در جامعه نوین و از طریق تکرار رشته‌ای از برهمکنش‌های سمت‌گیری شده به سوی مدرنیسم شکل می‌گیرد و شهر (جامعه سنتی) زنجان تا رسیدن به این مرحله هنوز راه درازی در پیش دارد.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی در جامعه باید در جست‌وجوی راه‌هایی بود که موجبات افزایش آن فراهم آید برای افزایش اعتماد اجتماعی در جامعه نمونه با توجه به چارچوب تئوریکی تحقیق، این پیشنهادات را می‌توان ارائه کرد:

۱. یافته‌های این تحقیق نشان داد که یکی از عوامل اصلی ایجاد اعتماد اجتماعی، تحصیلات و میزان مطالعه افراد است. افرادی که تحصیلات بالا داشتند و میزان مطالعه‌شان هم در حد بالایی قرار داشت اعتماد اجتماعی بالایی هم داشتند. از این رو به نظر می‌رسد در صورتی که شرایطی فراهم شود که افراد بتوانند به‌نحو مطلوب به تحصیلات خود ادامه داده و خصوصاً اگر امکان دسترسی به تحصیلات عالی برای بخش بیشتری از شهروندان فراهم گردد سطح اعتماد اجتماعی هم احتمالاً به نحو متناسبی افزایش خواهد یافت.

۲. یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی اعتماد اجتماعی احساس تعلق جمعی است؛ بنابراین باید به مراسم و مناسک ملی بها داده شود زیرا به نظر می‌رسد که عوامل مذکور در تقویت احساس تعلق جمعی بسیار مؤثرند.

۳. تفاوت اعتماد به نزدیکان و سایر افراد جامعه نشان می‌دهد که تعاملات اظهارنی‌تنها به گروه‌های اولیه محدود شده و به متن جامعه گسترش نیافته است که این امر خلأ میان دو حوزه مذکور را موجب شده است. ضرورت همکاری و مشارکت شهروندان در سطح ملی برای رسیدن به توسعه و پیشرفت نیاز به گروه‌های واسطی یا تشکلهای مدنی (احزاب، اصناف، اتحادیه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه و...) را ایجاد می‌کند. کارکرد عمده گروه‌های واسطی این است که تعاملات اظهارنی و سرمایه اجتماعی افراد را در شبکه‌های مختلف اجتماعی گسترش می‌دهد. چنان‌که این امر صورت گیرد افراد در جامعه همان احساسی را خواهند داشت که در خانواده دارند در نتیجه ترس‌ها و نگرانی‌ها کاهش پیدا می‌کند افراد در کنار سایر شهروندان احساس امنیت

خواهند کرد، احساس مسئولیت و تعهد در ابعاد مختلف تقویت می‌شود و... که کلیه عوامل یاد شده می‌تواند اعتماد اجتماعی را تقویت کند.

۴. یکی از مشکلات جامعه کنونی شهر زنجان این است که بسیاری از مردم به سودجویی‌های مهار نشده و هنجار گسیخته‌ای هدایت شده‌اند، کنش‌های آن‌ها ابزاری شده است و بعد عاطفی و اخلاقی رفتارها کم‌رنگ شده است. نکته قابل اهمیت این است که فعالیت‌های اقتصادی هم اغلب دچار آنومی شده‌اند. بی‌هنجاری‌های نهادی شده در روابط اقتصادی اغلب تأثیر کاهش دهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارند و ضمن آن‌که مانع از شکل‌گیری اعتماد مضمونی و کارکردی می‌شوند موجبات فرسایش اعتماد سنتی را نیز فراهم می‌سازند. لذا به نظر می‌رسد که نظام بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و قانونمندتر ساختن آن‌ها می‌تواند تأثیر مثبت و مفیدی بر افزایش تعاملات عام‌گرایانه و در نتیجه گسترش اعتماد اجتماعی در جامعه مورد مطالعه داشته باشد.

۵. به نظر می‌رسد که تدارک مکان‌هایی (مانند پارک‌ها، کتابخانه‌ها، سالن‌های گردهمایی و نمایشگاه‌ها) که در آن‌جا شهروندان بتوانند گردهم جمع شده و به برهمکنش بپردازند تأثیر مهمی بر افزایش اعتماد اجتماعی خواهد داشت. البته این مکان‌ها بایستی امن، قابل دسترس و دوستانه ساخته شود تا افراد (بچه‌ها/بزرگ‌ترها/جوانان/غریبه‌ها) بتوانند در این اماکن عمومی احساس یگانگی کرده و آن‌را متعلق به خود بدانند و در آن به تعامل و گفت‌وگو بپردازند.

۶. به نظر می‌رسد که برای ایجاد اعتماد اجتماعی، باید شرایطی فراهم گردد تا مردم در کنار هم احساس امنیت کنند، برای این منظور باید از یک طرف تضادها (تضادهای توزیعی و تضادهای ارزشی و...) کاهش یابند و از طرف دیگر نظم و ثبات بیشتری در هر چهار خرده‌نظام اقتصادی، سیاسی، جامعه‌ای و فرهنگی برقرار گردد.

۷. در این تحقیق سنجش بسیاری از متغیرهای مهم میسر نشد پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی سنجش متغیرهایی همچون ریسک‌پذیری، سطح فرهنگی خانواده، رضایت شغلی، هویت شخصی و منطقه‌ای و شبکه روابط اجتماعی و... نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوم.
 آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)، «اعتماد، اجتماع، جنسیت»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲: ۱۰۰-۱۳۲.
 امیر کافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *نمایه پژوهشی*، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۹-۴۰.
 امیر کافی، مهدی (۱۳۷۴)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- انعام، راحله (۱۳۸۱)، «بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاییان نمونه شهرستان شهریار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی، گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، *فصلنامه نقد و نظر*، تابستان و پاییز.
- پوتنام، رابرت (۱۳۷۹)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام، چاپ اول.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: انتشارات نی، چاپ اول.
- دواس، دی‌ای (۱۳۸۳)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ‌نایی، تهران: انتشارات نی، چاپ چهارم.
- زاهدی‌مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۳)، «مسائل جامعه‌شناختی اجتماعات روستایی در ایران»، ص ۱۶۳-۱۹۰، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ اول.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد یکم، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ ششم.
- سامپسون، دن: گولدجولیوس و ویلیام ل. کولب، (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، گروه مترجمان به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: انتشارات مازیار، چاپ دوم.
- قاضی طباطبایی، محمود (۱۳۷۶)، *تکنیک‌های خاص تحقیق*، تهران: انتشارات پیام نور، چاپ دوم.
- قنادان، منصور و دیگران (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سوم.
- کونن، بروس (۱۳۷۶)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت، چاپ نهم.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۱)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر، چاپ سوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی، چاپ پنجم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات مرکز، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تخصص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: انتشارات نی، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۰)، «بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی»، *نمایه پژوهش*، شماره ۱۸، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Castelfranchi, C. falcone, R, (1997), *Social Trust: A cognitive approach*, [int.http://sosig.au.uk](http://sosig.au.uk).
- Delhey Jan, Kenneth Newton, (2002), *Who Trusts? The origins of Social Trust in Seven Nations*, Research Unit, Social Science Research Center Berlin (W Z B), [int.http://sky//a.wz.berlin.d/pdh/2002](http://sky//a.wz.berlin.d/pdh/2002).
- Giddens, A. (1992) *the Consequences of Modernity*, Stanford, Calif: Stanford University press.
- Jahson. D. (1993), *Reaching out: Intrapersonal effectiveness and self-actualization*, Boston university press.
- Ritzer, G. (2000), *Sociological Theory*, McGraw-Hill Higher Education, fifth edition.
- محمدجواد زاهدی دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور است. از این نویسنده تاکنون کتاب‌های *توسعه و نابرابری*، انتشارات مازیار ۱۳۸۲؛ *فرهنگ علوم اجتماعی* (عضو گروه مترجمان و نیز سرویراستار کتاب)، انتشارات مازیار ۱۳۷۶؛ و *مجموعه مقالات فقر روستایی*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و توسعه کشاورزی ۱۳۷۵ و چند کتاب تألیفی و ترجمه‌ای مشترک و نیز مقالات متعدد در نشریات داخلی به چاپ رسیده است.
- سجاد اجاقلو کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر مسائل اجتماعی است.